



توسعه علمی حوزه علمیه نجف اشرف

شیخ موتضی آل یاسین^۱
مترجم: حسین ریحانی

امیدوارم که بر واقیت دیده نبسته باشم یا از مسیر حق و حقیقت منحرف شده باشم اگر بگویم که حوزه نجف اشرف علی‌رغم جایگاه رفیعش، از دایره فقه و اصول پا فراتر نگذاشته است. پس اگر این دو علم ارزشمند را منها کنیم، برای علوم دیگر، توجهی ویژه یا دست کم توجهی قابل اشاره پیدا نمی‌کنیم؛ با آگاهی از این حقیقت که حوزه علمیه نجف اشرف از وجود اساتید بزرگ این علوم مهجور، خالی نبوده است؛ جز این که طلاب حوزه عموماً این جسارت را در خود نمی‌دیدند که به سراغ علومی غیر از فقه و اصول بروند و این واقعاً نقص بزرگی در حوزه نجف است و چه بسا جبران این کاستی از مهم‌ترین وظایف مدیران و زعمای حوزه نجف باشد؛ کسانی که مسئولیت‌های مهمی در برابر مردم در دنیا و در برابر خداوند در آخرت بر دوش دارند.

پیش‌فرض در تأسیس حوزه علمیه نجف این بوده است که چراغ پر فروغی باشد برای دین تا گمراهان به وسیله هدایت آن و در پرتوی درخشش آن هدایت یابند و مؤمنان در خلال عنایتش حرکت کنند.

برای حوزه نجف، چیزی مضرتر از این که در یک سطح متوقف بماند، وجود ندارد؛ چون در مفید بودنش برای دین متدينین هیچ حد و مرزی گذاشته نشده و حوزه نجف نباید در یک چارچوب تنگ، محصور باقی بماند و فقط نقش یک مدرسه تخصصی فقه را بازی کند. ترویج دین میان اسلام که هدف اصلی و اساسی تأسیس این تشکیلات دینی است، می‌بایست بال و پر بگیرد و این توسعه، مستلزم توجه بیشتر به تنوع در ابزار تبلیغی است.

◆
پیش‌فرض در تأسیس حوزه علمیه نجف این بوده است که چراغ پر فروغی باشد برای دین تا گمراهان به وسیله هدایت آن و در پرتوی درخشش آن هدایت یابند و مؤمنان در خلال عنایتش حرکت کنند.

بنابراین می بایست در مقتضیات زمانه وارد شده و نسبت به آن تجدید نظر کرده و توسعه خاصی در اندیشه اش ایجاد کند.

شکی نیست که گشودن دروازه های اندیشه و فکر، از مهم ترین اسباب رسیدن به این هدف می باشد؛ به ویژه در این زمانه که هجمه بر دین و دیانت، با چهره های گوناگونی رخ می نماید و ارزش های دینی به خطر افتاده؛ تا جایی که گاهی گمان می رود که دین غریب گشته؛ مانند همان روزهای ابتدای رسالت پیامبر ﷺ که غریب آغاز شد.

پس تفقه در احکام شریعت مقدس و مسائل فرعی دین که مربوط به اعمال مکلفین در کتاب و سنت است، در روزگاری که اعتقادات و اصول دینی و ایمانی مردم متزلزل شده، نمی تواند به تنها بی خوراک دینی مردم را فراهم کند.

روزگار طوری شده است که مردم به اندک بهانه ای از دین می گریزند؛ گویی از شیر درنده ای می گریزند. بنابراین تفقة در احکام، فرع بر اصول اعتقادات است؛ چون اگر چیزی به نام عقیده وجود نداشته باشد، فقه علمی بدون موضوع می شود. آیا این کار منطقی است که فقیه به ملحدی بگوید: نماز بخوان، روزه بگیر، به حج برو و زکات بده؟ و آیا ممکن است فقیه به جنگ با عقاید ضاله و ترویج حقه برود، در حالی که از میان علوم دینی و معارف اسلامی هیچ به غیر از عبادات و معاملات نخوانده است؟ بنابراین، تخصص تنها در فقه چه فایده ای خواهد داشت، وقتی عقاید که پایه و اصل برای فقه است، شب و روز آماج حملات و شباهات باشد.

شکی نیست که نیاز امروز دین، متفاوت از نیاز دیروز آن است. دیروز اعتقادات اسلامی به درستی در جانها رسوخ کرده بود و تفقة در ابواب مختلف فقهی تنها نیاز مبرم متدينین بود و علماء و طلاب تمام همت خویش را در آن صرف کردند؛ اما امروز برخلاف گذشته، عقاید مردم رو به زوال گذاشته و تفقة در ابواب فقه در درجه دوم اهمیت و نیاز قرار گرفته است. نیاز امروز مردم، ترویج اعتقادات درست و دعوت به استحکام ایمان است.

البته من منکر نیستم که بزرگانی متبحر در معارف اعتقادی، در حوزه نجف اشرف حضور دارند، ولی باید دانست که تعدادشان از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی کند و خود این عده اندک نیز اگر به دنبال کسانی باشند که پای کرسی درسشن زانو بزنند، کمتر طلبای را

خواهند یافت که تخصص در این معارف را بر تخصص در فقه و اصول ترجیح دهد.

به نظر من تبلیغات سوء باعث شده که طلاب مسیر دیگری را انتخاب کنند. اگر بخواهیم با این تبلیغات و تفکرات مبارزه کنیم، شاید بتوانیم بر برخی از آنها فائت آیم و قطعاً نخواهیم توانست بر همه آنها مسلط شویم؛ چرا که برخی تفکرات افراطی به ظاهر مقدس و معنوی در جانب فقه و اصول وجود دارد که هیچ راهی مگر در درازمدت برای تسلط بر آنها وجود ندارد.

با این وجود، معتقدم که هر چه تأثیر این تبلیغات زیاد باشد، باز هم نمی‌تواند در برابر آنچه در متن جامعه اتفاق

می‌افتد تاب بیاورد. در برابر امواج سهمگین تبلیغات ضدیدنی و دور شدن از اصل اعتقادات، به گمانم اگر همچنان فقط به این تفکرات و ظواهر باقی بمانیم، این امواج می‌تواند ریشه‌های اعتقادی مردم را بخشکاند. تنها یک جنبش عملی و سریع شاید بتواند خطر را از بین برد یا آن را به عقب بازگرداند یا دست کم متوقفش کند.

به نظر من توسعه و داشتن افق دید وسیع در مبانی تحصیلی در حوزه علمیه نجف اشرف، از مهم‌ترین ضروریات فوری است که اهل علم باید برای آن آماده شوند و به این ندا پاسخ مقتضی را بدهند و نیاز روز دین را پاسخ‌گو باشند. منظورم از توسعه این است که برای علومی چون کلام و فلسفه و تفسیر و فن سخنوری، ساعات درسی بیشتری در نظر گرفته شود و طلاب به این علوم همان مقدار توجه داشته باشند که به درس فقه و اصول و علوم مقدماتی مانند ادبیات عرب.

توسعه و داشتن افق دید وسیع در مبانی تحصیلی در حوزه علمیه نجف اشرف، از مهم‌ترین ضروریات فوری است که اهل علم باید برای آن آماده شوند و به این ندا پاسخ مقتضی را بدهند و نیاز روز دین را پاسخ‌گو باشند. منظورم از توسعه این است که برای علومی چون کلام و فلسفه و تفسیر و فن سخنوری، ساعات درسی بیشتری در نظر گرفته شود و طلاب به این علوم همان مقدار توجه داشته باشند که به درس فقه و اصول و علوم مقدماتی مانند ادبیات عرب.

مقدماتی مانند ادبیات عرب، توجه به علوم دیگر نیز از قدرت طلاب در یادگیری فقه و اصول نمی‌کاهد. طلبه هوشیار و کوشایی است که تلاش در زمینه علوم دیگر، نبوغ و تلاش را در علم دیگر نمی‌کاهد.

در میان گذشتگان، علما و بزرگانی بودند که هم در فقه تبحر داشتند و هم در علوم دیگر؛ مانند بسیاری از بزرگان که نامشان در حوزه نجف اشرف برای طلاب ناآشنا نیست. از آن جا که طلاب در حوزه نجف به حکم عادت، همان روش درسی گذشته را در پیش گرفته‌اند، هدایت آنان برای گام نهادن در مسیر یادگیری این علوم پیشنهادی وابسته به دو عامل است: ۱. احساس نیاز دین به مقابله با شباهات اعتقادی و این که لازمه این تقابل، مجھز شدن به این علوم است؛ چون مبارزه بدون سلاح ممکن نیست.

۲. شجاعت طلاب برای تحصیل این علوم به هر وسیله ممکن.

عامل اول، به نظرم با توجه به خطری که از ناحیه بی‌دینی متوجه متدینین شده، این احساس را در طلاب برمی‌انگیزد و شاید توجه به این حقیقت غم انگیز، نیازی به تحمل مشقت ندارد. اماً عامل دوم مربوط به همه مسلمانان است. بر هر مسلمانی که آینده اسلام در نظرش مهم است، واجب است که به سهم خودش گام در این راه بگذارد. مدیران مدارس نیز به همین شکل، لازم است طلابی را که خواهان تحصیل این علوم هستند را گرامی بدارد و از بذل توجه و عنایت به آنها کوتاهی نکرده و تا جایی که برایشان ممکن است به آنها کمک کنند تا بتوانند فکرشنان را در تحصیل این علوم متمرکر کنند.

فقط از این طریق است که می‌توان نقصان موجود در حوزه علمیه نجف اشرف را جبران نمود و از میان طلاب، سپاهی مجھز به تمام وسائل و سلاح‌ها برای دفاع از عقیده و ایمان فردای مردم ایجاد کرد و این آرزویی است که من برای تحقیق آن از همه مدیران مدارس و حوزه نجف دعوت می‌کنم تا بلکه کمکی به دینشان کرده باشند و در برابر مسئولیتشان در پیشگاه خداوند و مؤمنین سربلند و روسفید بیرون آیند؛ همان‌گونه که طلاب حوزه مقدسه نجف اشرف را به تجدید نظر در مبانی روش درسی‌شان دعوت می‌کنم که وقت بیشتری را بر روی علومی که ضرورت بیشتری دارد، بگذارند تا در آینده، از ایشان مردان و بزرگانی تربیت شوند که می‌دانند چگونه از حریم عقاید حقه خود و مردم دفاع کنند و چگونه دین میین را یاری رسانند که خداوند می‌فرماید: **﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾**

پی‌نوشت‌ها:

۱. آیت‌الله شیخ مرتضی آل یاسین یکی از علمای بزرگ خاندان «آل یاسین»، در ۱۳۱۱ق. در کاظمین متولد شد. پدرش آیت‌الله شیخ عبدالحسین آل یاسین از علمای بزرگ نجف و از شاگردان مجدد بزرگ، میرزای شیرازی و سید اسماعیل صدر بود. شیخ مرتضی آل یاسین پس از گذراندن دوره مقدمات در کاظمین، به نجف اشرف هجرت و از محضر علمای بزرگی چون سید ابوالحسن اصفهانی و محقق نائینی کسب فیض کرد و پس از مدتی به درجه اجتهد رسید و بر کرسی درس خارج تکیه زد. وی در سال ۱۳۷۹ق. در نجف اشرف فوت نمود و در مقبره خانوادگی آل یاسین به خاک سپرده شد. (مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۴۷۷).
۲. توبه، آیه ۱۰۵.

